

بررسی و مقایسه علل و عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر متوسطه رشته ادبیات و علوم انسانی سال ۹۶-۹۷ شهرستان شهرکرد

محبوبه صفرپور

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

این مقاله به بررسی و مقایسه علل و عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی از نظر دانش آموزان موفق مقطع تحصیلی متوسطه دختران رشته ادبیات و علوم انسانی با نظر دبیران آنان در سال ۹۶-۹۷ شهرستان شهرکرد می باشد. در این پژوهش ۱۲۰ دانش آموز دختر در پایه اول متوسطه مورد مطالعه قرار گرفت. برای جمع آوری داده ها از ۲ پرسشنامه استفاده گردید که یکی از پرسشنامه ها مربوط به سنجش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در کلاس به آن پاسخ می دادند.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، رشته ادبیات و علوم انسانی، شهرستان شهرکرد.

مقدمه:

یکی از عامل‌های بسیار مهم در تکوین شخصیت نوجوان و جوان مدرسه می باشد. مدرسه بعد از خانواده مهمترین نقش را در فرایند اجتماعی کردن نوجوان به عهده دارد. مدرسه از طریق آموزش مهارت‌های علمی و فنی و فراهم آوردن زمینه همکاری گروهی و مسئولیت پذیری نوجوان و جوان موجبات رشد همه جانبه و متعادل شخصیت آنان را فراهم می سازد. گرچه مدارس وقت خود را صرف ایجاد آمادگی در نوجوانان و جوانان به منظور کسب مدارج عالی تحصیل می کنند با وجود این بسیاری از نوجوانان بدون دریافت مدارج عالی مستقیماً به زندگی وارد شده و چون فاقد آمادگی لازم برای ورود به آن می باشند. احساس شکست و درماندگی نموده به بهداشت و سلامت روانی آنان آسیب وارد می شود. علاوه بر آن فاکتورهای دیگری نیز وجود دارد که در موفقیت و یا عدم موفقیت دانش آموزان در مدرسه و در نتیجه در زندگی آینده آنها تاثیر دارد که به ذکر پاره ای از آنها می پردازیم.

این مقاله به عنوان گزارشی از یافته‌های یک پژوهش گسترده، درصدد است رابطه متغیرهای فیزیکی کلاس درس را با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار دهد.

به منظور انجام پژوهش، ۱۸ کلاس اول به صورت تصادفی طبقه‌ای و ۶۰۰ دانش‌آموز و معلمان این کلاسها از مدارس ابتدایی شهرستان شهرکرد انتخاب شدند. روش مورد استفاده در این پژوهش کمی و کیفی بوده و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، فرم‌های پرسشنامه، مشاهده و آزمون پیشرفت تحصیلی بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌های کمی پژوهش، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS صورت گرفته است. نتایج نشان داد که اگر چه رابطه معناداری بین متغیرهای فیزیکی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه وجود ندارد، ولی این متغیرها بر نگرش معلم تأثیرگذار است و نگرش معلم نیز پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین مشخص شد که فضاهای آموزشی مدارس کنونی ما با ویژگی‌های روانی کودکان و نوجوانان سازگار نیست؛ بنابراین، لازم است در این رابطه اصلاحات لازم به عمل آید. متغیرهای فیزیکی، حتی اگر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز نیز هیچ تأثیری نداشته باشد، باید به خاطر حفظ سلامت، بهداشت و امنیت روانی آنان مورد توجه قرار گیرند.

حضور یک فرزند با هوش و درس‌خوان در خانواده که از همان سال‌های اول تحصیل قابل تشخیص است، وظیفه والدین و به خصوص مادر را صد چندان می‌کند. متأسفانه مادران وظیفه خود را در این می‌بینند که بالای سر فرزندشان بایستند تا او مشق‌هایش را بنویسد، از او درس بپرسند، دیکته بگویند و یا حتی بعضی از کارهای درسی فرزندشان را انجام دهند. هدف و تمرکز همه این فعالیت‌ها- فرزند- است، اما این کارها تا چه زمانی می‌تواند موثر باشد؟ چند درصد از والدین از چنین روش‌هایی به نتایج موثر و ماندگاری می‌رسند؟

هدف این پژوهش بررسی عوامل موثر بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان است. برای دست یابی به این هدف، متغیرهای گوناگون مرتبط با عملکرد تحصیلی اعم از متغیرهای فردی و شخصیتی دانش‌آموزان، متغیرهای مربوط به عوامل آموزشی از قبیل نگرش به رفتار معلم، مدیر، مشاور، امکانات آموزشی آموزشگاه و متغیرهای خانوادگی، از قبیل نوع روابط باسرپرست، تعداد خانوار و... را شناسایی و از طریق تدوین فرضیه، ارتباط این متغیرها را با وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان، شد.

اهمیت مسئله:

بدیهی است که کشور ما به مطالعات و تحقیقات مربوط به آموزش و پرورش نوجوانان و کودکان نیاز فراوان دارد و در این میان لازم است به مسائل و مشکلات مهمی که به نحوی به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان لطمه می زند توجه لازم مبذول گردد. لذا تحقیقاتی ارزنده و معضل‌گشا در این زمینه برای رسیدن به وضع نسبتاً مطلوب و ضروری به نظر می رسد که از طریق یافتن راه‌های پیشرفت تحصیلی از جنبه‌های عوامل موثر خانوادگی، آموزشی و پرورشی در این مسیر قدم‌های موثر و راهگشایی در جهت حل این مشکل بزرگ برداشته شود که مهمترین و پر اهمیت ترین بررسی‌ها و دست آوردها از مسائل و عوامل خانوادگی در جنبه‌های پیشرفت تحصیلی از هدفهای عمده و اساسی ما در این تحقیق می باشد.

اهداف و ضرورت تحقیق:

هدف کلی تحقیق: بررسی و مقایسه علل و عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی از نظر دانش آموزان موفق مقطع تحصیلی متوسطه دختران با نظریه دبیران آنان در سال ۹۶-۹۷ شهرستان شهرکرد

اهداف تحقیق:

- ۱- بررسی رابطه بین میزان سواد و پیشرفت تحصیلی فرزندان
 - ۲- بررسی بین میزان سواد خانواده و نقش آن در پیشرفت تحصیلی فرزندان
- دانش آموزانی که تاثیر فعالی در بخش پیشرفت تحصیلی و دانش آموزانی که افت تحصیلی غیر فعال دارند چه واکنشی در مدرسه دارند
- بین دانش آموزان دختر و دانش آموزان پسر از نظر تحصیلی چه تفاوت هایی وجود دارد.
- آیا ترغیب خانواده ها به شرکت مستمر در کلاس های آموزش خانواده و همیاری و هم فکری در روحیه دانش آموزان از نظر روانشناسی کودمات چه تاثیر مثبتی و احياناً منفی می گذارد.
- هماهنگی معلمان و مدیران و بخش های اداری و تربیتی بخصوص پرورش با خانواده ها و تعیین برنامه ریزی هماهنگ و هم سوع در آینده نگری دانش آموزان

اثرات پیشرفت تحصیلی

اهمیت تأثیر پیشرفت تحصیلی در سلامت روانی دانش آموزان به حدی است که برخی از متخصصان آن را حداقل تا نیمه دوم دوره نوجوانی معیار اساسی برای تشخیص عملکرد سالم دانسته اند. به عقیده ایشان نوجوانانی که علی رغم برخورداری از هوشبهر طبیعی کارکرد رضایت بخشی در مدرسه نداشته باشند، مسائل روانی قابل ملاحظه ای نشان خواهند داد. و پیشرفت تحصیلی را به عنوان شاهدهی برای سلامت روانی دانش آموزان ارزیابی نموده اند

سیف (۱۳۶۳) به نقل از بلوم می نویسد هنگامی که محیط مدرسه شاهدهی حاکی از شایستگی و لیاقت برای دانش آموز در طی چند سال اول فراهم کند و در چهار پنج سال بعد نیز همین تجارب موفقیت آمیز تکرار شود، نوعی مصونیت در برابر بیماریهای روانی برای مدتی نامحدود در فرد ایجاد می شود. چنین فردی قادر خواهد بود که به راحتی بر فشارها و بحرانهای زندگی غلبه کند

باور شکست در امتحان به هر حال موجب تأثر و تألم خاطر کودکان و نوجوانان می گردد. افراد شکست خورده به افسردگی، ناراحتی، ناسازگاری و بیقراری مبتلا می گردند. یکی از علل اساسی شکست در امتحان عدم آشنایی دانش آموزان با شرایط و نحوه برگزاری امتحان است. ترس دانش آموزان از شکست در امتحان همچنین موجب ارتکاب تقلب می گردد

اهمیت و ضرورت تغییر نگرش

- در صورت وجود ویژگی های زیر رهبران تربیتی و آموزشی از پس پیچیدگی جهان امروز بر خواهند آمد. این ویژگی ها شامل:
- ۱- بینش استراتژیک
 - ۲- رویکرد جهانی به معضلات کنونی

۳- توان نوآوری و انطباق با تغییر

۴- برخورد اخلاقی با مسائل

۵- توان بالای یادگیری

۶- توان بالای تغییر ذهنیت و فکرو انعقاد پذیری

۷- توان آگاه کردن مردم

۸- تمایل به ایجاد نظام مشارکتی و پاسخگو

با داشتن چنین ویژگی‌هایی هدف بزرگ آموزش و پرورش یعنی آموختن، یادگیری در زندگی و از زندگی و فهمیدن جهان در حال تغییر تحقق می‌یابد و این مدیران نظام‌های آموزشی را مورد بازسازی قرار می‌دهد.

متغیرهای تحقیق

نوع تحقیق، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل، دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان شهرکرد است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است.

نتایج حاکی از آن است که:

- ۱- بین تحصیلات والدین با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط معناداری وجود دارد.
- ۲- رابطه عاطفی مناسب و خوب بین دانش‌آموز و مادر موجب افزایش پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموز می‌شود.
- ۳- ازدواج مجدد مادر تاثیر منفی بر وضعیت تحصیلی، عزت نفس و افسردگی دانش‌آموز ندارد.
- ۴- شاغل بودن مادر تاثیر مثبتی بر وضعیت تحصیلی و یا پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد.
- ۵- ارزیابی دانش‌آموز از عوامل آموزشی نظیر معلم، مدیر، مشاور، آموزشگاه و محیط آموزشی بر عملکرد تحصیلی او تاثیرمی‌گذارد.
- ۶- تربیت تولد در دانش‌آموزان شاهد، ارتباطی با پیشرفت تحصیلی، عزت نفس و افسردگی ندارد.
- ۷- بین عملکرد تحصیلی، عزت نفس و افسردگی دانش‌آموزان شاهد ساکن در مجتمع‌های مسکونی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، تفاوت معنا داری وجود ندارد؛ اما بین رضایت‌مندی از سکونت در مجتمع و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۸- وجود دوستان صمیمی و همکلاسی پیشرفت تحصیلی را می‌افزاید.
- ۹- دانش‌آموزان پسر، افسردگی کمتری نسبت به دختران شاهد دارند.
- ۱۰- باوجودی که میزان افسردگی در دختران شاهد بیش از پسران می‌باشد، اما عملکرد تحصیلی دختران بهتر از پسران بوده است.
- ۱۱- بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در تمام پایه‌ها، ارتباط معنا داری وجود داشته است.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. در تحقیق توصیفی پژوهشگر به مطالعه‌ی جامعه می‌پردازد بدون اینکه دخل و تصرفی در آن بنماید.

پیشینه‌ی تحقیق:

در تحقیقی کرمی و عساکره (۱۳۸۶) با عنوان «شناسایی علل افت تحصیلی دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه بندر امام خمینی (ره)» که بوسیله‌ی پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ی ۳۰ سؤالی انجام شد با جامعه‌ی آماری ۶۱۰ نفری و نمونه‌ی آماری ۲۹۱ نفری دختران پایه‌ی اول متوسطه‌ی منطقه‌ی بندر امام خمینی (ره) مهمترین علل افت تحصیلی از دیدگاه دانش‌آموزان عبارت بوده است از:

۱- عامل شخصی و خانوادگی با ۱۶ ماده.

۲- عامل معلم با ۱۰ ماده.

۳- عامل نظام مدرسه ای با ۴ ماده.

در این تحقیق مهمترین عوامل ایجاد کننده افت تحصیلی از دیدگاه معلمان عبارت بوده است از ۱- ضعف انگیزه و بی هدفی دانش آموزان، ۲- توجه روزافزون به مد و آرایش، ۳- عدم اعتماد به نفس، ۴- عدم ارتباط صحیح با دبیران و کم توجهی بعضی از دبیران به دانش آموزان پر تلاش.

در تحقیقی دیگر جباری (۱۳۸۵) با عنوان «بررسی علل و عوامل افت تحصیلی درس ریاضی دوره راهنمایی از دیدگاه دانش آموزان و دبیران منطقه بندر امام خمینی» که به وسیله ی پرسشنامه ی محقق ساخته ۳۴ سؤالی انجام شد با جامعه ی آماری ۱۵۵۷ نفری دانش آموز و ۳۰ نفر دبیر و نمونه آماری ۴۰۹ نفری دانش آموزان دوره ی راهنمایی منطقه ی بندر امام خمینی چنین بدست آوردند که:

عامل افت تحصیلی درس ریاضی از دیدگاه دانش آموزان دو عامل مؤثر ۱- عامل معلمبا ۱۷ ماده، ۲- عامل شیوه های مطالعه با ۶ ماده، مهمترین عوامل و ماده هایی هستند که از دیدگاه

دانش آموزان باعث افت تحصیلی در درس ریاضی می باشند. در این تحقیق مهمترین عوامل ایجاد کننده افت تحصیلی از دیدگاه معلمان عبارت بوده است از عدم ممارست و تمرین کافی دانش آموزان در منزل، کم بودن ساعات تدریس هفتگی، نداشتن علاقه و انگیزه ی تحصیلی در دانش آموزان، وجود تک ماده (تبصره) در سالهای قبل در درس ریاضی، عدم وجود وسایل کمک آموزشی سمعی- بصری در مدارس، توجه دانش آموزان به مسائل غیر رسمی در حین تدریس معلم، امکانات و فضای آموزشی نامناسب کلاس های درس.

پولادی (۱۳۷۵) در پایان نامه ی خود با عنوان بررسی عوامل افت تحصیلی در دبیرستان های پسرانه شهرستان اهواز که بوسیله ی پرسشنامه انجام گرفت با جامعه آماری کلیه ی دانش آموزان پسر اول تا چهارم رشته های مختلف دبیرستانهای پسرانه شهرستان اهواز در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ و نمونه ی آماری ۴۰۰ نفر ۱۰ عامل به عنوان عوامل مهم افت تحصیلی در دبیرستانهای اهواز استخراج شد؛ که در مجموع این ۱۰ عامل به مقدار ۴۷٪ از کل واریانس افت تحصیلی را تعیین می کنند عناوین ۱۰ عامل انتخاب شده عبارتند از:

۱- مسائل مربوط به برنامه ریزی آموزشی.

۲- مشکلات خانوادگی و سلامتی.

۳- مشکلات محیطی - آموزشی.

۴- مسائل مربوط به رشد.

۵- مسائل اجتماعی- رفتاری.

۶- مسائل مربوط به امتحان.

۷- مسائل مربوط به کتب درسی.

۸- مسائل آموزشی.

۹- مسائل عمومی.

۱۰- اختلافات خانوادگی.

الف: تحقیقات انجام شده در خارج از کشور عبارتند از:

۱- یکی از مهمترین مطالعات در این زمینه توسط کوپر در سال ۱۹۷۱ انجام شده است. یافته های کوپر نشان میدهد: ۱- فراگیری مهارت تحصیلی بطور شخص میزان خود خود پنداره فرد را افزایش میدهد.

۲- انهایی که مهارتهایی را که قبلاً یاد گرفته بودند و وقتشان را در تمرین می گذرانند خود پنداره روانی خود را حفظ کرده ولی پیشرفتشان قابل ذکر نبود.

۳- افرادی که صاحب عملکرد بالایی در یک زمینه تحصیل هستند از خود پنداره بالاتری نسبت به آنان که در سطح پایین تری هستند برخوردار باشند.

ب: تحقیق دیگری مربوط به جوزف جی گروبر از دانشگاه کنتاکی است.

به علت طولانی بودن نتایج تحقیق و اینکه نتایج این تحقیق از حوصله این خلاصه خارج است، پیشنهاد میشود در این مورد به اصل تحقیق مراجعه شود.

ج: تحقیقات کولین و اسنایدر در سال ۱۹۷۵ بر روی دانش آموزان و با پیشرفت تحصیلی بالا و و دانش آموزان افت تحصیلی پایین حاکی است که:

۱- دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی نسبت به دانش آموزان با افت تحصیلی نگرش مثبت تری نسبت به روحیه اشان دارند.

۲- یک ارتباط مثبت بین نگرش خود، نسبت به بدن و شرکت آنان در مدارس و کلاس های جبرانی وجود دارد.

۳- تجزیه و تحلیل خود پنداره دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی و دانش آموزان با افت تحصیلی و مطالعات مربوط به تصور خود از بدن نشانگر یک ارتباط مثبت بین خود پنداره و عزت نفس و ارتباطی منفی بین اضطراب و ایمنی فرد، خصوصاً در دانش آموزان می باشد.

۴- تحقیقات فالکنین نشان میدهد:

۱- نمرات دانش آموزان در تمام حوزه های خود پنداره به نحو معنا داری بهتر و بیشتر از نمرات غیر دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی دارد.

۲- بین میزان بهره مندی از مهارت درس خواندن و خود پنداره افراد یک ارتباط و پیوستگی به چشم می خورد.

۵- مطالعه کداین و همکلاسانش ۱۹۸۹ بر روی چهل دانش آموز افسرده که به تحصیل و درس خواندن پرداختند نشان میدهد که برنامه های تمرینی امتحان و و اعتماد به نفس خود پنداره دانش آموزان افسرده را بهبود بخشیده است.

۶- مطالعات انجام شده توسط کوپر نشان میدهد که دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی بالا از یک اطمینان اجتماعی بیشتر استواری و ثبات احساسی زیادتری برخوردارند.

علاوه بر تحقیقات خارجی فوق در این تحقیق به ۱۳ تحقیق خارجی دیگر به عنوان پیشینه بطور خلاصه اشاره شده است به علت رعایت اختصار از توضیح آن خوداری کرده.

ب: تحقیقات انجام شده داخلی: نتایج تحقیقی که در سال ۱۳۷۲ بوسیله بهزاد معتمدی انجام شده است به شرح زیر میباشد:

۱- بین عزت نفس دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد.

۲- بین عزت نفس دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی و و دانش آموزان با افت تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد.

۳- بین عزت نفس دانش آموزان دختر با پیشرفت تحصیلی و دانش آموزان با افت تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد.

۴- بین عزت نفس دانش آموزان پسر پیشرفت تحصیلی و دختر دانش آموزان با افت تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد.

۵- بین عزت نفس دانش آموزان پسر و دختر با پیشرفت تحصیلی گروهی و انفرادی تفاوت معناداری وجود ندارد.

۲- نتایج تحقیق غلامحسین یزدان پناه و محمد تقی اقدسی ۱۳۷۱ نشان میدهد:

رابطه معناداری بین خود پنداره دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی بالا و و دانش آموزان با افت تحصیلی وجود دارد به این معنا که خود پنداره دانش آموزان مثبت تر است.

۳- نتایج تحقیق بهروز گل محمدی ۱۳۷۱: بیانگر آن است که اختلاف معناداری بین عزت نفس دانش آموزان ابتدایی و غیر ابتدایی وجود دارد.

۴- نتایج تحقیق امیر بلوچ مقدم و محسن سنجانی ۱۳۷۶ نشان میدهد که در کلیه روش های تحصیلی دانش آموزان بین دو گروه پسر و و دختر تفاوت معنادار وجود دارد.

۵- نتایج تحقیق حسن انبایی و محمد بادیانی در سال ۱۳۷۵ نشان میدهد:

- ۱- بین توانایی های حرکتی و هوشی دانش آموزان همبستگی وجود دارد.
- ۲- بین نیروی درونی و هوشی دانش آموزان همبستگی وجود دارد.
- ۳- بین چابکی و هوشی دانش آموزان همبستگی وجود دارد.
- ۴- بین سرعت عمل و هوش دانش آموزان رابطه وجود دارد.

اهمیت خانواده:

خانواده اولین بذر تکوین رشد فردی و بنای شخصیت را در انسان فراهم می سازد کودک در خانواده زبان می آموزد، ارزش های اخلاقی را کسب می کند، روابط اجتماعی با دیگران را می آموزد و اصول و قواعد اخلاقی را یاد می گیرد.

خانواده به عنوان فیلتری برای عقاید، ارزش ها و نگرش های مربوط به فرهنگ یک جامعه محسوب می شود و آنها را به یک شیوه بسیار اختصاصی و انتخابی به کودک ارائه می دهد بی تردید باید گفت که شخصیت، نگرش ها، طبقه اجتماعی، اقتصادی مذهب و خصوصیات، وابستگی های نسبی خانوادگی، تحصیل و جنس والدین خانواده بر نحوه ارائه ارزش ها و میزان های اخلاقی به فرزندان تاثیر خواهد گذاشت. (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲)

خانواده در تربیت اجتماعی کودک وظایف و نقش های متعددی را بر عهده دارد که اهم آنها عبارتند از:

- ۱- خانواده به عنوان سیستم
- ۲- خانواده به عنوان معلم و الگو
- ۳- خانواده به عنوان کانون محبت و امنیت

عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان:

در این مقاله کوشش شده است یافته های عمده این مطالعات مورد بازنگری قرار گیرد. کشف اثرات متغیرها بر پیشرفت تحصیلی موضوع ساده ای نیست. نتایج پژوهش ها بر روی روابط و همبستگی ها باید در عمل مورد آزمایش قرار گیرند. هر یک از نتایج باید به دفعات متعدد به وقوع پیوندد تا به توان نسبت به صحت آنها اطمینان حاصل کرد.

مطالعات کیفی که بر پایه روش های مشاهده ای و تکنیک های مصاحبه انجام می گیرد، این امکان را به پژوهشگر می دهد که به نکات ظریفی که در کلاس نقش دارند و بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان موثرند که تشخیص آنها جز با بکارگیری این روش ها ممکن نیست.

برنامه درسی:

برنامه درسی را می توان به سه گروه "برنامه درسی مورد انتظار (آنچه که در فهرست دروس و یا هدف های یادگیری مندرج است)،" برنامه درسی اجرا شده " (آنچه که معلمین عملاً تدریس می کنند در زبان پژوهش به آن اغلب فرصت یادگیری می گویند) و "برنامه درسی فرا گرفته" (آنچه که کودکان واقعاً یاد می گیرند) تقسیم نمود. شواهد زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه تقاضای برنامه درسی در پیشرفت تحصیلی مؤثر است. به طور خلاصه می توان اظهار داشت که اگر دانش آموزان فرصت یادگیری چیزی را داشته باشند، معمولاً "آن را فرا می گیرند و اگر این فرصت برای آنها فراهم نباشد، از یادگیری آن محروم خواهند شد. به عبارت دیگر، هر چه میزان تقاضا در "برنامه درسی مورد انتظار" با ثابت فرض کردن بقیه عوامل بیشتر باشد، کودکان بیشتر یاد خواهند گرفت.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارای مراکز برنامه ریزی درسی هستند، گر چه در بسیاری از کشورها برنامه های درسی برای رهایی از نفوذ برنامه های قدرت های استعماری گذشته به صورت "ملی" تدوین شده اند، هنوز در برنامه های درسی برخی از کشورها این وضعیت وجود ندارد و یا آنکه در طرف دیگر طیف به آنچه که در دیگر کشورها کودکان برای یادگیری بخصوص در زمینه خواندن، ریاضیات و علوم دارند، توجه کافی مبذول نشده است.

دو مقوله باید مورد توجه قرار گیرد یکی تکنولوژی برنامه ریزی درسی (لوی^۱، ۱۹۷۸) و دیگری عوامل تعیین کننده برنامه درسی، بسیاری از عوامل مطالعات اندکی نیاز دارند که مراکز برنامه ریزی درسی باید به انجام آن توجه داشته باشند.

تمایل به افزودن مطالب بیشتری به برنامه های درسی مشاهده می شود بدون آن که هرگز چیزی از آن کاسته شود. اخیراً حرکت هایی برای پیراسته کردن برنامه های درسی دیده می شود زیرا وضعیت کنونی و انباشتگی مطالب از جمله عوامل استاندارد پایین آموزشی به شمار می رود.

برنامه های درسی باید با دقت جرح و تعدیل شوند و باید توجه کرد که مدارس حداقل آنچه را که فارغ التحصیلان برای شروع به کار نیاز دارند به کودکان بیاموزند دانش آموزان باید همچنین پایه لازم را برای اینکه بتوانند به یادگیری پس از فارغ از تحصیل ادامه دهند و محتوایی را که بعداً به آن ها آموخته می شود، سریعاً بیاموزند، در مدرسه کسب کرده باشند.

برنامه های متعددی نظیر ادغام آموزش و کار تولیدی یا اضافه شدن موضوعات پیش حرفه ای به برنامه های درسی مورد آزمایش و تجربه قرار گرفته اند. ارزشیابی از چنین برنامه هایی، مادامی که مسئله بیکاری حل نشده، تشویق به خود اشتغالی فارغ التحصیلان صورت نگرفته یا منابع مورد نیاز افزایش نیافته است، ناامید کننده به نظر می رسد.

خانواده به عنوان الگو:

بی تردید باید گفت که خانواده نقش ویژه ای در الگو شدن و آموزش دادن رفتارها و میزان های اخلاقی و اجتماعی دارا می باشد، هر گونه ارتباط و وابستگی والدین به فرزند و یا فرزند به والدین و یا والدین با یکدیگر به عنوان پایه ای برای ارتباط اجتماعی بعدی فرد می توانند مورد الگو و سرمشق قرار گیرند. کودک سخن گفتن، راه رفتن، آداب معاشرت، آداب غذا خوردن، طرز لباس پوشیدن، نحوه برخوردها، مسئولیت پذیری، مهر و صفا، پرخاشگری، رفتار کناره جویانه، محبت، شجاعت، عاطفه، تعاون، کمک به دیگران، ظلم و تجاوز و ... را از پدر و مادر خود فرا می گیرد. اصولاً در روان شناسی کودک، خصوصاً در سال های قبل از دبستان رفتار کودک به عنوان آینه ای از رفتار والدین به حساب می آید.

آلبرت باندورا و ریچارد والتزر، دو محقق روان شناسی که به یادگیری کودک از طریق مشاهده و تقلید از والدین اهمیت زیادی می دهند در یک تحقیق رفتار والدین و رفتار فرزندان آنها را مورد مقایسه قرار دادند آنها چنین نتیجه گرفتند که: کودکان پرخاشگر دارای والدین پرخاشگر هستند و کودکان گوشه گیر دارای والدین گوشه گیر و منزوی می باشند. (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲).

¹Lewy

خانواده به عنوان کانون امنیت:

محبت و امنیت یک از اساسی ترین ملزومات برای تربیت و رشد کودک می باشد. کودکی که خصوصاً در سال های اولیه زندگی از محبت خانوادگی و پدر و مادر محروم گردد ممکن است در آینده سازگاری شخصی و اجتماعی او با خطر جدی روبرو شود و از اعتماد به نفس کافی و یا برخورد های اجتماعی متناسب بهره مند نگردد.

کودک نیاز به تامین امنیت را از رحم مادر آموخته است. او بعد از تولد همچنان می خواهد که در محیط امن و آرام باشد و اساسی ترین وظیفه خانواده خصوصاً در دوران قبل از دبستان بر آوردن همین نیاز کودک می باشد. خانواده حتی این نقش مهم را در دوره های دیگر زندگی همچنان حفظ می کند. دوستان، معلمان و همبازی های کودک در طول زندگی ممکن است تغییر کنند ولی والدین، تماس نزدیک خود را با کودک در طول زندگی حفظ می کنند و نقش یک نهاد ثابت و پابرجا را برای کودک ایفا می کنند. (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲)

یکی از روان شناسان به نام هورنای که امنیت را شرط اساسی برای زندگی می داند معتقد است که والدین از طریق عدم ابراز محبت و دوستی نسبت به کودک، کتک زدن متناوب، از شیر گرفتن زودرس، تبعیض قائل شدن بین فرزندان، تنبیه بیجا، رفتار غیر معقول، استهزا کردن، تحقیر نمودن طرد کردن و ... می توانند امنیت کودک را خصوصاً در سال های قبل از دبستان به خطر بیندازند، حتی محبت و ابراز دوستی مصنوعی نیز نمی تواند موجبات ایجاد امنیت را برای او فراهم آورد. (کرمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲)

نقش اقتصاد در خانواده:

مطالبی که در این جا مورد بحث واقع می گردد در باره این است که اقتصاد چه نقشی در خانواده ایفا می کند؟ آیا تعبیر روش اقتصادی در جامعه موجب تغییر طرز تشکیل خانواده است یا نه؟ و چه اندازه باید مسائل اقتصادی در تشکیل خانواده مورد توجه باشد.

در پاسخ سؤال اول باید گفت: شکی نیست که مسئله اقتصاد یکی از ارکان اساسی در زندگی خانوادگی بشر است اقتصاد در شئون علمی و اخلاقی، فرهنگی و تربیتی خانواده نقش بزرگی ایفا می کند، اقتصاد در خوشبختی و بدبختی، ترقی و انحطاط، پیروزی و شکست و عزت و ذلت خانواده ها اثر عمیق دارد.

قسمت عمده ناسازگاری ها و اختلافات، تضاد و تشاجر، جنگ و ستیز و جرم و جنایت که در خانواده ها به وقوع می پیوندد و گاهی مفاسد عظیم و غیر قابل جبرانی به بار می آورد از مسائل اقتصادی سرچشمه می گیرد. بر اثر امور مالی است که چه بسیار دیده می شود زنانی که از شوهران خود جدا می شوند. فرزند، پدر و مادر خود را ترک می گوید. برادران و خواهران از یکدیگر قطع رابطه می کنند. خانواده ها بهم می ریزند و کودکان، بی سرپرست می شوند. چنانچه، در جامعه ای نیز یک قسمت قابل ملاحظه ای از کشمکش ها و اختلافات که بین افراد یا گروه ها اتفاق می افتد یا ملل و اقوام بشری را رو در روی یکدیگر قرار می دهد و آتش جنگ را مشتعل می سازد منشا اقتصادی دارد.

جامعه شناسان می گویند:

«اگر سؤال شود که در جامعه چه چیز سبب جنگ می گردد پاسخ قطعی دادن کار آسانی نیست. ولی اعتقاد به اینکه عامل اقتصادی سهم بسزایی در ایجاد جنگ دارد، دلایل عینی فراوانی دارد که آنرا تایید می کند و روز به روز بیشتر می شود.»

موقعیت اجتماعی _ اقتصادی و یادگیری:

توانایی ها ذاتی یادگیرندگان به صورت های متعددی تحت تاثیر موقعیت های اجتماعی اقتصادی قرار می گیرد. انواع سنخ های شناختی فرآیندهای رشد تفکر، خود تصویری، روابط گروهی، روابط معلم و شاگرد، فرصت های آفرینندگی و کسب تجارب بطور عمیقی تحت تاثیر طبقه اجتماعی هستند که کودک در آن متولد شده و رشد یافته است به این ترتیب طبقه اجتماعی دانش آموزان در سطح دبیرستان ها و دانشجویان انجام گرفته است و معلوم شده است علی رغم کوشش هایی که برای ترغیب کودکان محروم از آموزش و پرورش برای ورود به دبیرستان و دانشگاه انجام گرفته است، اکثریت دانش آموزان و دانشجویان از خانواده های متوسط و متوسط به بالا بوده اند. همچنین بررسی ها نشان می دهد که این قبیل نه از نظر اقتصاد تحصیلی، بلکه

از نظر توقعات و امکانات مالی والدین یا کودکان محروم از تحصیل تفاوت های مشهودی داشتند. به احتمال قوی نتیجه این بررسی ها را می توان به کشور خودمان تعمیم داد. هر چند، برای حصول اطمینان، لازم است تحقیق مشابهی برای سال های اخیر انجام گیرد.

در گذشته طبقات پایین اجتماعی کمترین رغبت را برای آموزش و پرورش رسمی داشتند. فرض جامعه نیز بر این بود که آنان در پایه های تحصیلی پایین تری ترک تحصیل خواهند کرد از بیشترشان انتظار می رفت که مثل پدران و دوستان پدرانشان. کارگران دستی غیر ماهر یا نیمه ماهر با آید. بعلاوه. بیشتر خانواده های محروم در محله های پرجمعیت و یا در محله های دوردست، که بیشتر از خانواده ای زندگی می کند که مردم آن، اهل علم و ادب هستند و در آنجا علاقه و رغبت به بحث و گفتگو در باره اندیشه های نو، اختراعات و اکتشافات جدید وجود دارد، بیشتر از کودکی که در خانه وی در باره کتاب ها یا موضوع ها و اکتشافات جدیدی صحبت نمی شود آماده شرکت در بحث ها، درک مسائل جدید و احیاناً هماهنگی و سازگاری با آنها خواهد بود.

در هر حال کودکانی که والدین آنها از تحصیلات خوبی برخوردارند، احتمالاً بیشتر از سایر کودکان علاقمندتر خواهند بود که در تحصیلات خود توفیق داشته باشند. نوعی زندگی خانوادگی نیز روی یادگیری کودک موثر است؛ مثلاً کودکی که با خانواده خود به بیشتر جاها مسافرت می کند. بیشتر از کودکی که تجارب مسافرتی کم و محدود دارد، به مطالعات اجتماعی، تاریخ و جغرافیا آمادگی دارد.

همچنین مطالعاتی که در مورد روابط میان آموزش و پرورش و درآمدها و نابرابری هایی که در خانواده ها و در نتیجه، در مدارس به وجود می آیند انجام گرفته است نشان می دهند که هر قدر سطح درآمدها بالاتر و بالاتر می رود نمرات آزمون های پیشرفت تحصیلی نیز بالاتر می رود یعنی سطح تحصیلات کودکان و نوجوانان با درآمد خانواده آنان رابطه مستقیمی دارد. (تقی پور ظهیر، ۱۳۷۴)

وضعیت اجتماعی و اقتصادی والدین:

سطح در آمد خانواده نوع شغل پدر، میزان تحصیلات مادر عواملی را تشکیل می دهند که در تعیین سطح درآمد فرزندان تاثیر می گذارد. به هر صورتی که متغیرهای فوق را اندازه گیری کنیم به نظر می رسد که موقعیت اجتماعی _ اقتصادی خانواده اثر زیادی در درآمدهای آتی فرزندان داشته باشد.

از طرق گوناگون درآمد فرزندان تحت نفوذ موقعیت اجتماعی _ اقتصادی خانواده قرار می گیرند. برای مثال خانواده هایی که از تحصیلات و امکانات بیشتری برخوردارند، احتمالاً فرزندان خود را به سال های بیشتر از تحصیلات عادی مدرسه ترغیب می کنند و یا خانواده هایی که از درآمد بالاتری برخوردارند قدرت تحمل هزینه های سال های بیشتر تحصیل فرزندان خود را نیز دارند.

جامعه ی آماری:

در پژوهش جامعه ی آماری به کلیه افرادی اطلاق می شود که عمل تعمیم پذیری به آنان صورت می گیرد (دلاور، ۱۳۷۱). جامعه ی آماری این پژوهش شامل کلیه ی دانش آموزان دختر و پسر سال سوم متوسط رشته ی ادبیات و علوم انسانی منطقه ی بندر امام خمینی در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ که ۱۷۲ نفر هستند همچنین جامعه ی آماری این پژوهش شامل کلیه ی دبیران درس ادبیات در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ می باشد که ۶ نفر می باشد. در این پژوهش حجم نمونه کل حجم جامعه در نظر گرفته شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات:

در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ی «شناسایی علل افت تحصیلی درس فلسفه و منطق از دیدگاه دانش آموزان» و پرسشنامه ی شناسایی علل افت تحصیلی درس فلسفه و منطق از دیدگاه دبیران استفاده شده است. این دو پرسشنامه محقق ساخته بوده است و برای تهیه ی آن ابتدا مطالعه ی مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از دانش آموزان انجام گرفت، از داموزان خواسته شده بود که علل افت تحصیلی را بصورت تشریحی بنویسند. پس از جمع آوری پاسخهای تشریحی، پاسخها

طبقه بندی شد و ۴۰ عامل استخراج گردید. این عوامل به عباراتی تبدیل شد و پرسشنامه ی ۴۰ عبارتی ایجاد شد. پاسخ دهندگان می بایست میزان موافقت خود را با هر عبارت مشخص می کردند. پاسخها بصورت «کاملاً موافقم»، «موافقم»، «تا حدودی موافقم»، «موافق نیستم» می باشد. برای پرسشنامه ی شناسایی علل تحصیلی از دیدگاه دبیران نیز چنین فعالیتی انجام شد.

نتیجه گیری:

اهمیت تأثیر پیشرفت تحصیلی در سلامت روانی دانش آموزان به حدی است که برخی از متخصصان آن را حداقل تا نیمه دوم دوره نوجوانی معیار اساسی برای تشخیص عملکرد سالم دانسته اند. به عقیده ایشان نوجوانانی که علی رغم برخورداری از هوشبهر طبیعی کارکرد رضایت بخشی در مدرسه نداشته باشند، مسائل روانی قابل ملاحظه ای نشان خواهند داد. و پیشرفت تحصیلی را به عنوان شهادی برای سلامت روانی دانش آموزان ارزیابی نموده اند. سیف (۱۳۶۳) به نقل از بلوم می نویسد هنگامی که محیط مدرسه شواهدی حاکی از شایستگی و لیاقت برای دانش آموز در طی چند سال اول فراهم کند و در چهار پنج سال بعد نیز همین تجارب موفقیت آمیز تکرار شود، نوعی مصونیت در برابر بیماریهای روانی برای مدتی نامحدود در فرد ایجاد می شود. چنین فردی قادر خواهد بود که به راحتی بر فشارها و بحرانهای زندگی غلبه کند.

باور شکست در امتحان به هر حال موجب تأثر و تألم خاطر کودکان و نوجوانان می گردد. افراد شکست خورده به افسردگی، ناراحتی، ناسازگاری و بیقراری مبتلا می گردند. یکی از علل اساسی شکست در امتحان عدم آشنایی دانش آموزان با شرایط و نحوه برگزاری امتحان است. ترس دانش آموزان از شکست در امتحان همچنین موجب ارتکاب تقلب می گردد.

منابع:

۱. بی آر، هرگنهان. دکتر السون، میتواچ، استادان دانشگاه هملاین، ۱۳۷۶.
۲. براون، سالی، هورن، هلن، ۱۳۸۱. ۵۰۰ نکته چگونه کیفیت آموزشی را بهبود بخشیم. مترجم: دکتر فرخ لقا رئیس دانا. تعدادصفحات ۲۰۷
۳. حسنی، محمد، احمدی، حسین، ۱۳۸۴. ارزشیابی توصیفی الگویی نو در ارزشیابی تحصیلی
۴. هومن، حیدر علی، اندازه گیری روانی و تربیتی فن تهیه تست، تیتراژ ۵۰۰۰، تعداد صفحات ۳۱۰
۵. خوی نژاد، غلامرضا، ۱۳۷۲. اندازه گیری و آزمون در تعلیم و تربیت. ناشر: چاپ انتشار مؤسسه آستان قدس رضوی، تألیف استفن جی، جورژ. ۱۹۹۰، ویلیام وایرما.
۶. رؤوف، علی، ۱۳۸۰. یاد دادن برای یاد گرفتن، سازمان پژوهش و برنامه ریزی، انتشارات مدرسه، تعداد صفحات ۱۵۷
۷. رستگار، طاهره، ۱۳۸۲. ارزشیابی در خدمت آموزش. مؤسسه فرهنگی و هنری منادی تربیت، فراهانی، مهدی. ۱۳۸۴.
۸. ولف، ریچارد، ۱۳۷۱. ارزشیابی آموزشی. مرکز نشر دانشگاهی. ترجمه دکتر علیرضا کیا منش، تعداد صفحات ۲۷۴
۹. مجله رشد آموزش ابتدایی، ۱۳۸۴. دور فهم. انتشارات آموزش و پرورش
۱۰. زرژنوازه، ژان پل کارونی، ۱۳۷۶، روان شناسی ارزشیابی تحصیلی، ترجمه دکتر حمزه گنجی، تعداد صفحات ۲۱۳
۱۱. سیف علی اکبر، ۱۳۷۵، روشهای اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، تهران نشر دوران.

The Study and Comparison of Factors Affecting the Academic Achievement of Secondary School Students of Literature and the Humanities, 97-96 Years

Mahboubeh Safarpur
MA in Persian Language and Literature

Abstract

This paper investigated and compared the causes and factors affecting academic achievement The successful students of secondary schools girls literature and humanities Given their teachers in Shahrekord city is 97-96 In this study, 120 students in the first grade of high school were studied. to collect the data of 2 A questionnaire was used.

Keywords: educational Progress. Literature and Humanities .Shahrekord City
